



بررسی عوامل تاثیرگذار بر اشتغال‌پذیری دانشجویان در دانشگاه‌های دولتی عراق

ستار عواد علیخان^۱، یعقوب مهارتی^۲، آذر کفاش پور^۳، سمانه صادقان^۴

۱. دانشجوی دکتری، گروه مدیریت، دانشکده علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
۲. دانشیار، گروه مدیریت، دانشکده علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
۳. استاد، گروه مدیریت، دانشکده علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
۴. استادیار، گروه مدیریت، دانشکده علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: maharati@um.ac.ir

چکیده

هدف این پژوهش شناسایی و تبیین عوامل چندسطحی مؤثر بر اشتغال‌پذیری دانشجویان در دانشگاه‌های دولتی عراق به‌منظور ارائه الگویی بومی برای بهبود پیوند میان آموزش عالی و بازار کار است. این مطالعه از نظر هدف بنیادی و از نظر ماهیت کیفی با رویکرد نظریه داده‌بنیاد و پارادایم تفسیرگرایی انجام شد. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته عمیق با ۲۰ نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های دولتی عراق، مدیران اجرایی، سیاست‌گذاران آموزش عالی و نمایندگان بخش خصوصی گردآوری شد. نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند و با حداکثر تنوع تا اشباع نظری ادامه یافت. تحلیل داده‌ها با استفاده از کدگذاری باز، محوری و انتخابی بر اساس چارچوب استراوس و کوربین انجام شد و نرم‌افزار MAXQDA برای مدیریت و سازمان‌دهی داده‌ها به کار رفت. تحلیل داده‌ها نشان داد اشتغال‌پذیری نتیجه کنش متقابل عوامل محیط خرد شامل آموزش، قوانین و مقررات، عوامل حرفه‌ای و شغلی و ساختارهای سازمانی دانشگاه است که به‌طور مستقیم بر توانمندی‌های فارغ‌التحصیلان اثر می‌گذارند. این اثرگذاری از طریق عوامل فردی و شخصیتی همچون پشتکار، اعتمادبه‌نفس و انگیزه، و مهارت‌های فردی از جمله مهارت‌های دیجیتال، کار تیمی، زبان انگلیسی و حل مسئله تعدیل می‌شود. همچنین محیط کلان سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بستر نهایی اثرگذاری این عوامل است و فرصت‌ها یا تهدیدهای بیرونی می‌تواند ظرفیت اشتغال‌پذیری را تقویت یا محدود کند. اشتغال‌پذیری پدیده‌ای پیچیده و چندلایه است که نیازمند اقدام هم‌زمان در سطح آموزش عالی، سیاست‌گذاری نهادی و توسعه سرمایه فردی است. تقویت ارتباط دانشگاه و صنعت، بازنگری در برنامه‌های درسی متناسب با نیاز بازار و ارتقای مهارت‌های فردی و اجتماعی دانشجویان از راهکارهای کلیدی برای کاهش شکاف میان آموزش و اشتغال در عراق محسوب می‌شود.

کلیدواژه‌گان: اشتغال‌پذیری، فارغ‌التحصیل دانشگاهی، دانشگاه دولتی، عراق

تاریخ ارسال: ۸ خرداد ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۲ مهر ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۲ مهر ۱۴۰۴

تاریخ چاپ اولیه: ۱۹ آبان ۱۴۰۴

تاریخ چاپ نهایی: ۱ خرداد ۱۴۰۵



How to cite: Awad Alikhan, S., Maharati, Y., Kafashpour, A., & Sadeghian, S. (2026). Studying the Factors Affecting the Employability of Students in Iraqi Public Universities. *Training, Education, and Sustainable Development*, 4(1), 1-14.



© 2026 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Studying the Factors Affecting the Employability of Students in Iraqi Public Universities

Satar Awad Alikhan¹, Yaghoob Maharati^{2*}, Azar Kafashpour³, Samaneh Sadeghian⁴

1. PhD Student, Department of Management, Faculty of Administrative and Economic Sciences, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

2. Associate Professor, Department of Management, Faculty of Administrative and Economic Sciences, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

3. Professor, Department of Management, Faculty of Administrative and Economic Sciences, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

4. Assistant Professor, Department of Management, Faculty of Administrative and Economic Sciences, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

*Corresponding Author's Email: maharati@um.ac.ir

Abstract

This study aimed to identify and explain the multilevel factors influencing the employability of students in Iraqi public universities to propose a localized model bridging higher education and the labor market. This qualitative research employed a grounded theory approach within an interpretivist paradigm. Data were collected through in-depth semi-structured interviews with 20 key stakeholders, including faculty members of public universities, executive managers, higher education policymakers, and private sector representatives. Purposeful sampling with maximum variation continued until theoretical saturation was reached. Data analysis followed Strauss and Corbin's systematic coding steps—open, axial, and selective—and was supported by MAXQDA software for data organization and management. Analysis revealed that employability is shaped by the interplay of micro-level factors such as education quality and relevance, employment-related regulations and standards, professional and occupational factors, and organizational structures within universities. These influences are moderated by individual and personal attributes, including perseverance, self-confidence, motivation, and key personal skills such as digital literacy, teamwork, problem-solving, and proficiency in English. Additionally, macro-level political, economic, social, and cultural contexts create overarching opportunities or constraints that shape graduates' employability potential. Employability is a complex and multilayered construct requiring integrated action across higher education, institutional policy, and personal capability development. Strengthening university–industry collaboration, redesigning curricula aligned with market needs, and fostering students' transferable and digital skills are essential to narrowing the gap between education and employment in Iraq.

Keywords: *Employability, University Graduate, Public University, Iraq*

Submit Date: 29 May 2025

Revise Date: 24 September 2025

Accept Date: 04 October 2025

Initial Publish: 10 November 2025

Final Publish: 22 May 2026

اشتغال‌پذیری دانشجویان به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه به‌عنوان شاخصی کلیدی برای ارزیابی کارآمدی نظام آموزش عالی و توان پاسخ‌گویی آن به نیازهای بازار کار شناخته می‌شود. در جهان امروز، تحولات فناورانه، تغییر ساختارهای اقتصادی و پیچیدگی رقابت در بازار کار، تعریف اشتغال‌پذیری را از مفهومی ساده و صرفاً مرتبط با یافتن شغل، به پدیده‌ای چندبعدی و پویا تبدیل کرده است (Bonnard, 2020). این مفهوم اکنون مجموعه‌ای از مهارت‌های سخت و نرم، شایستگی‌های بین‌فردی، نگرش‌های حرفه‌ای و توانایی سازگاری با شرایط متغیر اقتصادی و اجتماعی را در بر می‌گیرد و دیگر نمی‌توان آن را صرفاً با نرخ اشتغال پس از فارغ‌التحصیلی سنجید (Eimer & Bohndick, 2023). از سوی دیگر، چالش‌های بیکاری فارغ‌التحصیلان در کشورهایی همچون عراق بیانگر آن است که برنامه‌های آموزش عالی در بسیاری از موارد نتوانسته‌اند پیوند مؤثر و پایداری با نیازهای واقعی بازار برقرار کنند (Al-Jubouri et al., 2022).

پژوهش‌های بین‌المللی تأکید دارند که الگوهای اشتغال‌پذیری نمی‌توانند نسخه‌ای واحد برای همه کشورها باشند، بلکه باید متناسب با زمینه‌های اقتصادی، نهادی و فرهنگی هر جامعه بازطراحی شوند (Encinas & Mirabent, 2022; Phusavat et al., 2025). بخش مهمی از ادبیات موجود نیز بر انتقال غیرانتقادی مدل‌های کشورهای توسعه‌یافته به جوامعی با ساختارهای متفاوت هشدار می‌دهد (Salahian-Imran & Ein-Khah, 2023). برای مثال، در حالی که در بسیاری از کشورهای پیشرو پیوند دانشگاه و صنعت از طریق کارآموزی، پروژه‌های مشترک و بازخوردهای مستمر کارفرمایان تقویت می‌شود (Fantinelli et al., 2024; Khan et al., 2025)، در عراق هنوز چنین سازوکارهای نهادی نظام‌مندی وجود ندارد و فارغ‌التحصیلان اغلب با کمبود تجربه عملی و فقدان مهارت‌های قابل‌انتقال مواجه‌اند (Al-Jubouri et al., 2022).

از منظر نظری، مدل‌های نوین اشتغال‌پذیری رویکردی سیستمی و چندسطحی را دنبال می‌کنند و بر ضرورت هم‌افزایی میان سه محور «آموزش و یادگیری»، «محیط نهادی و بازار کار» و «سرمایه انسانی فردی» تأکید دارند (Boelt et al., 2022; Eimer & Bohndick, 2023). مطالعات اخیر نشان داده‌اند که تمرکز صرف بر ارتقای مهارت‌های فنی یا برگزاری دوره‌های کوتاه‌مدت کافی نیست؛ بلکه لازم است ساختارهای آموزش عالی با نیازهای بازار کار هم‌راستا شوند و فرصت‌های واقعی برای یادگیری تجربی و توسعه مهارت‌های بین‌رشته‌ای فراهم گردد (Fantinelli et al., 2024). در این راستا، آموزش مبتنی بر تجربه که در مدل‌های نوین یادگیری مورد توجه قرار گرفته است، از طریق ادغام فعالیت‌های عملی و تعاملی در کنار آموزش نظری، زمینه‌ساز ارتقای قابلیت‌های اشتغال‌پذیری می‌شود (Salahian-Imran & Ein-Khah, 2023).

بررسی‌های انجام‌شده در محیط دانشگاهی ایران نیز که شرایط اقتصادی و نهادی مشابهی با عراق دارد، نشان می‌دهد کمبود هماهنگی میان برنامه‌های درسی و نیازهای بازار کار از مهم‌ترین عوامل بیکاری فارغ‌التحصیلان است (Ein-Khah, 2023; Kashani Yazdi, 2022; Zare-Moghadam, 2022). این پژوهش‌ها بر ضرورت طراحی مدل‌های بومی‌شده‌ای تأکید دارند که از یک‌سو مهارت‌های فردی و اجتماعی دانشجویان مانند حل مسئله، کار تیمی و ارتباط مؤثر را تقویت کند و از سوی دیگر پیوند ساختاری میان دانشگاه و صنعت را تحکیم بخشد (Farang, 2022; Mirghafari, 2023). همچنین مطالعه اکوسیستم اشتغال فارغ‌التحصیلان علوم ورزش نشان داده است که تحلیل شبکه‌ای از بازیگران مؤثر، از جمله دانشگاه، بخش خصوصی و نهادهای سیاست‌گذار، می‌تواند مسیرهای ارتقای اشتغال‌پذیری را روشن کند (Farbad et al., 2022).

در سطح بین‌المللی، رویکردهای تازه‌ای برای فهم عمیق‌تر از مهارت‌های مورد نیاز بازار و بازطراحی برنامه‌های دانشگاهی شکل گرفته است. برای مثال، تحلیل‌های اهمیت-عملکرد برای شناسایی شکاف‌های مهارتی در بین دانشجویان و فارغ‌التحصیلان مورد استفاده قرار گرفته و به دانشگاه‌ها کمک کرده است تا برنامه‌های آموزشی خود را هدفمندتر کنند (Phusavat et al., 2025). همچنین همکاری دانشگاه-صنعت با رویکرد «کانکتیویسم» به‌عنوان یکی از رویکردهای نوین یادگیری، باعث افزایش سرمایه اجتماعی حرفه‌ای دانشجویان و ارتقای اعتمادبه‌نفس

شغلی آن‌ها می‌شود (Khan et al., 2025). در عین حال، پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهند که بدون پشتیبانی سیاستی و نهادی، چنین تعاملاتی اغلب به پروژه‌های موقتی محدود شده و پایدار نمی‌مانند (Fantinelli et al., 2024).

بازار کار عراق با ویژگی‌هایی چون سلطه ساختار دولتی، وابستگی بالا به مشاغل حکومتی و بی‌اعتمادی بخش خصوصی به فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های دولتی شناخته می‌شود (Al-Jubouri et al., 2022). این شرایط، همراه با محدودیت‌های بودجه‌ای و ضعف نظام حمایتی دانشگاه‌ها، موجب شده است فارغ‌التحصیلان در کسب شغل متناسب با تحصیلات خود ناکام بمانند. بررسی‌های انجام‌شده در عراق نشان می‌دهد نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان در دو سال نخست پس از فراغت از تحصیل به‌طور معناداری بالاست و بخش قابل توجهی از آنان به‌دنبال اشتغال دولتی هستند، امری که فرصت‌های اشتغال در بخش خصوصی و نوآوری‌های کارآفرینانه را محدود می‌کند (Al-Jubouri et al., 2022).

در چنین بستری، طراحی مدل‌های بومی اشتغال‌پذیری مبتنی بر نظریه داده‌بنیاد اهمیت دوچندان پیدا می‌کند. این رویکرد از طریق تحلیل عمیق تجربه‌های کنشگران اصلی—از اعضای هیئت علمی و مدیران دانشگاهی گرفته تا سیاست‌گذاران و کارفرمایان—می‌تواند ابعاد پنهان و روابط پیچیده میان عوامل خرد و کلان مؤثر بر اشتغال‌پذیری را آشکار سازد (Farang, 2022; Ghoran, 2023). یافته‌های حاصل از چنین مطالعاتی به‌ویژه در طراحی برنامه‌های توسعه مهارت، اصلاح محتوای درسی، و ایجاد نظام‌های حمایتی در دانشگاه‌های دولتی عراق کاربرد دارد.

همچنین تجربیات بین‌المللی نشان داده‌اند که بهبود اشتغال‌پذیری نیازمند تقویت مهارت‌های قابل‌انتقال است. مهارت‌های نرم مانند ارتباط مؤثر، کار تیمی، مدیریت زمان، تفکر انتقادی و سازگاری با تغییرات محیطی به‌عنوان شاخص‌های کلیدی در جذب و پایداری شغلی شناخته می‌شوند (Mirghafari, 2023; Salahian-Imran & Ein-Khah, 2023). با این حال، نبود فرصت‌های عملی برای تمرین این مهارت‌ها در برنامه‌های دانشگاهی، فارغ‌التحصیلان را از توانایی به‌کارگیری آموخته‌های نظری در محیط واقعی محروم می‌کند (Boelt et al., 2022; Fantinelli et al., 2024). بر همین اساس، تقویت آموزش مبتنی بر تجربه، کارآموزی ساختاریافته و همکاری بلندمدت با صنعت، از جمله راهکارهایی است که پژوهشگران برای بهبود اشتغال‌پذیری توصیه کرده‌اند (Khan et al., 2025; Phusavat et al., 2025). بررسی‌های داخلی نیز بیانگر آن است که عوامل فردی و شخصیتی نقش مهمی در تعدیل اثرات ساختاری و نهادی دارند. متغیرهایی مانند انگیزه، پشتکار، اعتمادبه‌نفس و ذهنیت رشد می‌توانند اثر شرایط آموزشی و سازمانی را تقویت یا تضعیف کنند (Kashani Yazdi, 2022; Khayati, 2021). به عبارت دیگر، حتی در شرایط پهنه نهادی، فقدان این سرمایه‌های فردی مانع از تحقق کامل اشتغال‌پذیری می‌شود و در مقابل، برخورداری از آن‌ها می‌تواند آثار محدودیت‌های ساختاری را کاهش دهد (Ein-Khah, 2023).

با وجود اهمیت بالای اشتغال‌پذیری در ارتقای سرمایه انسانی و توسعه پایدار، پژوهش‌های بومی در عراق بسیار محدود است و اغلب مدل‌های مورد استفاده اقتباسی و غیرکاربردی‌اند (Ghoran, 2023). کمبود داده‌های تجربی و پراکندگی برنامه‌ها در سطح سیاست‌گذاری ملی موجب شده است که رویکردهای ارتقای اشتغال‌پذیری نتایج پایداری نداشته باشند (Al-Jubouri et al., 2022; Salahian-Imran & Ein-Khah, 2023). این خلأ علمی و اجرایی ضرورت انجام پژوهش‌های جامع با رویکرد داده‌بنیاد را برای شناسایی دقیق‌تر ابعاد مسئله آشکار می‌کند.

با توجه به آنچه بیان شد، طراحی و تبیین مدلی بومی برای ارتقای اشتغال‌پذیری دانشجویان دانشگاه‌های دولتی عراق، ضرورتی راهبردی برای کاهش فاصله میان آموزش عالی و بازار کار است. لذا هدف از این پژوهش بررسی عوامل تاثیرگذار بر اشتغال‌پذیری دانشجویان در دانشگاه‌های دولتی عراق بود.

روش‌شناسی این پژوهش از نظر هدف، بنیادی و از نظر ماهیت و رویکرد، کیفی و مبتنی بر پارادایم تفسیرگرایی است که بر درک عمیق تجربه‌ها و برداشت‌های ذهنی ذی‌نفعان تأکید دارد. به دلیل کمبود ادبیات بومی در حوزه اشتغال‌پذیری دانشجویان عراقی و نبود مدل‌های نظری جامع، از استراتژی نظریه داده‌بنیاد با رویکرد نظام‌مند استراوس و کوربین (۱۹۹۰) استفاده شده است. جامعه مورد مطالعه شامل اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های دولتی عراق، مدیران اجرایی و سیاست‌گذاران حوزه آموزش عالی، و نمایندگان بخش خصوصی مرتبط با بازار کار است. نمونه‌گیری به صورت هدفمند با حداکثر تنوع انجام شده و فرایند انتخاب مشارکت‌کنندگان تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافته است. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته عمیق به مدت میانگین ۴۵ تا ۶۰ دقیقه گردآوری و پس از اخذ رضایت آگاهانه ضبط و به‌طور کامل پیاده‌سازی شدند. تحلیل داده‌ها به صورت هم‌زمان با گردآوری آن‌ها انجام گرفته و متن مصاحبه‌ها چندین بار مرور و واحدهای معنایی کلیدی استخراج شد. سپس داده‌ها در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی بر اساس چارچوب استراوس و کوربین تحلیل گردید و ارتباط میان مقوله‌ها از طریق روش مقایسه مستمر بررسی شد. برای سامان‌دهی و مدیریت داده‌ها از نرم‌افزار MAXQDA استفاده شده است و تفسیر و یکپارچه‌سازی مفاهیم بر پایه مشارکت فعال پژوهشگر در تمامی مراحل تحلیل صورت گرفته است.

یافته‌ها

ویژگی‌های جمعیت شناختی مصاحبه‌شوندگان شامل جنسیت، میزان تحصیلات، میزان سابقه کار در قالب جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت شناختی افراد مصاحبه‌شونده

ردیف	جنسیت	میزان تحصیلات	سمت سازمانی	تجربه کاری
۱	زن	کارشناسی ارشد	مشاور شغلی	۱۰
۲	مرد	کارشناسی ارشد	فعال در بازار کار - حوزه IT	۱۲
۳	مرد	کارشناسی ارشد	مشاور شغلی	۷
۴	مرد	دکتری	مدیر منابع انسانی	۱۳
۵	مرد	دکتری	استاد دانشگاه و دارای سابقه همکاری با صنعت نفت	۱۶
۶	زن	کارشناسی ارشد	مشاور شغلی	۱۰
۷	مرد	کارشناسی ارشد	مدیر اجرایی شرکت مشاوره مدیریت	۱۵
۸	مرد	کارشناسی ارشد	مدیر منابع انسانی (شرکت ساختمانی)	۸
۹	مرد	کارشناسی ارشد	مشاوره شغلی در مرکز توانمندسازی اجتماعی	۹
۱۰	مرد	کارشناسی ارشد	پژوهشگر اجتماعی در مؤسسه تحقیقاتی	۸
۱۱	مرد	کارشناسی ارشد	مدیر منابع انسانی (شرکت فناوری اطلاعات)	۱۵
۱۲	مرد	کارشناسی ارشد	کارآفرین	۱۱
۱۳	مرد	دکتری	استاد دانشگاه (رشته اقتصاد)	۱۳
۱۴	مرد	کارشناسی ارشد	مدیر اجرایی (شرکت مشاوره مدیریت)	۱۲
۱۵	مرد	دکتری	استاد دانشگاه و مشاور شغلی (مرکز مشاوره شغلی)	۱۵
۱۶	مرد	کارشناسی ارشد	کارشناس ارشد بازار کار (وزارت کار)	۱۱
۱۷	مرد	کارشناسی ارشد	مشاور آموزشی (مؤسسه آموزشی)	۱۰
۱۸	مرد	کارشناسی ارشد	کارشناس ارشد حوزه اشتغال (سازمان بین‌المللی کار)	۱۴
۱۹	مرد	کارشناسی ارشد	مدیر عامل (شرکت تبلیغاتی)	۱۱
۲۰	مرد	کارشناسی ارشد	کارشناس ارشد (سازمان توسعه جهانی)	۱۲

در این پژوهش پس از انجام مصاحبه برای درک و استخراج متغیرهای مورد نیاز پژوهش این مفاهیم ابتدا کدگذاری باز، سپس مقوله بندی شده و در نهایت کدگذاری محوری جهت استخراج الگوی پژوهش انجام شده است.

در این مرحله، مقوله‌های اولیه اطلاعات در خصوص پدیده به وسیله بخشبندی اطلاعات شکل می‌گیرد. مقوله مفهومی است که از سایر مفاهیم انتزاعی‌تر است. نتیجه کدگذاری باز مجموعه‌ای از مقوله‌های مفهومی ایجاد شده از داده‌ها است. در زیر نمونه‌ای از کدگذاری انجام شده در پژوهش حاضر ارائه شده است.

جدول ۲. کدگذاری باز مصاحبه اول

شناسه	متن مصاحبه	کدگذاری باز
A	ارتباط با صنعت و بازار کار	ارتباط با صنعت و بازار کار
A	اساتید	اساتید
A	اعتماد به نفس	اعتماد به نفس
A	انگیزه	انگیزه
A	روش‌های سنتی آموزش	آموزش سنتی
A	سوم، سیستم اداری سنگین و نبود انگیزه در دانشگاه‌ها برای نوآوری. برخی اساتید و مدیران تمایلی به تغییر ندارند یا از تکنولوژی‌های جدید استفاده نمی‌کنند.	بروکراسی اداری
A	تبعیض یا پارتی‌بازی	تبعیض یا پارتی‌بازی
A	تبعیض‌های اجتماعی و جنسیتی	تبعیض‌های اجتماعی و جنسیتی
A	تسلط بر زبان انگلیسی	تسلط بر زبان انگلیسی
A	ذهنیت رشد	ذهنیت رشد
A	شرایط اقتصادی کشور تأثیرگذار است. ما نمی‌توانیم تأثیرات این عوامل کلان را نادیده بگیریم.	شرایط اقتصادی
A	شرایط سیاسی	شرایط سیاسی
A	قوانین استخدامی	قوانین استخدامی
A	کارآموزی	کارآموزی
A	کمبود امکانات	کمبود امکانات
A	کمبود دوره‌های عملی و واقعی	کمبود دوره‌های عملی و واقعی
A	محتوای برنامه درسی	کیفیت برنامه درسی
A	مشاوران شغلی	مشاوران شغلی
A	مهارت ارتباطی	مهارت ارتباطی
A	حل مسئله،	مهارت حل مساله
A	کار گروهی)	مهارت کار گروهی
A	مهارت‌های دیجیتال	مهارت‌های دیجیتال
A	نبود منابع مالی	نبود منابع مالی
A	وضعیت بازار کار	وضعیت بازار کار

در این مرحله از مفاهیم به دست آمده از کدگذاری باز، مفاهیم هم دسته جدا شده و کدگذاری محوری انجام گرفت. ابتدا برخی کدهای تکراری یا کدها با مفاهیم یکسان حذف یا ادغام شدند. در گام بعد، کدگذاری محوری براساس مفاهیم کدهای باز صورت گرفت.

براساس هدف پژوهش بررسی عوامل موثر بر اشتغالزایی دانشجویان در عراق است؛ مقوله محوری اشتغالزایی دانشجویان دانشگاه‌های عراق انتخاب شد. پس از تعیین مقوله محوری نوبت به ربط دادن سایر مقوله‌ها به این مقوله می‌رسد. در ادامه چگونگی شکل گیری عوامل محیط خرد و سایر شرایط تاثیر گذار براساس جدول بیان شده است. با تحلیل متن مصاحبه‌ها و مطابق نظر مصاحبه شونده‌گان، مقوله‌های "قوانین، مقررات و استانداردها"، "عوامل حرفه‌ای و شغلی"، "آموزش" و "عوامل سازمانی" بعنوان شرایط محیط خرد در نظر گرفته می‌شوند، چرا که مطابق نظر مصاحبه شونده‌گان، این عوامل مستقیماً زمینه بروز پدیده «اشتغال دانشجویان عراق» را فراهم می‌کنند.

همچنین کدهای مربوط به هر کدام از عوامل محیط خرد در نمودار زیر که توسط نرم افزار مکس کیودا ترسیم شده است، نشان داده شده اند.

جدول ۳. شرایط محیط خرد

ردیف	مقوله (کدگذاری محوری)	کدگذاری باز
۱	آموزش	تبادل دانشجو با صنعت دسترسی به کارگاه ها کارآموزی وجود پروژه های عملی کیفیت آموزش به روز رسانی نبودن آموزش ها کمبود دوره های عملی و واقعی آموزش سنتی اساتید کیفیت برنامه درسی بازخورد مستمر عدم هماهنگی بین آموزش و نیاز بازار نظام آموزشی دسترسی به منابع آموزشی فناوری و آموزش های آنلاین ویژگیهای مشاغل موجود فرهنگ کارآفرینی وضعیت بازار کار بی اعتمادی بازار کار به فارغ التحصیل های دانشگاه دولتی سیاست های اشتغال زایی تبعیض یا پارتی بازی مشاوران شغلی وابستگی به دولت برای اشتغال فرهنگ سازمانی کمبود امکانات نبود منابع مالی بروکراسی اداری ارتباط با صنعت و بازار کار سیاست های حمایتی دانشگاه شبکه های حمایتی میزان ترغیب دانشجو به کارآفرینی اهمیت دادن به کار تیمی
۲	عوامل حرفه ای و شغلی	
۳	عوامل سازمانی (دانشگاه)	

هدف نهایی نظریه داده بنیاد ارائه تبیین های جامع نظری در مورد پدیده ای خاص است. مقوله اصلی محور پژوهش قرار می دهد (پدیده اصلی) و سپس مقوله های دیگر را به آن ارتباط می دهند. پدیده محوری در تحقیق حاضر " اشتغال پذیری دانشجویان در دانشگاه های دولتی عراق " است.

در تحقیق حاضر سایر شرایط محیطی تاثیرگذار شامل "عوامل فردی و شخصیتی" و "عوامل مهارت های فردی" می باشند. این عوامل به صورت میانجی بر شدت یا ضعف تأثیر عوامل محیط خرد تأثیرگذارند.

جدول ۴. سایر شرایط محیطی تاثیرگذار

ردیف	مقوله (کدگذاری محوری)	کدگذاری باز
۱	عوامل فردی و شخصیتی	تفکر انتقادی پشتکار اخلاق حرفه‌ای نگرش فردی اعتماد به نفس ذهنیت رشد انگیزه حمایت خانواده
۲	مهارت‌های فردی	مهارت‌های اجتماعی مهارت‌های دیجیتال تسلط بر زبان انگلیسی مهارت کارگروهی مهارت حل مساله مهارت ارتباطی مدیریت زمان مهارت‌های فنی و کاربردی نگرش حرفه‌ای آمادگی حرفه‌ای مهارت مدیریتی توانایی انطباق با تغییرات محیطی توانایی یادگیری مستقل تجربه عملی مهارت شبکه‌سازی

در تحقیق حاضر مقوله‌های عوامل محیطی بعنوان سایر شرایط تاثیرگذار (محیط کلان) در نظر گرفته شده‌اند. این شرایط به عنوان بستری فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی شناخته می‌شوند که اشتغال دانشجویان در آن معنا می‌یابد.

جدول ۵. سایر شرایط تاثیرگذار (محیط کلان)

ردیف	مقوله (کدگذاری محوری)	کدگذاری باز
۱	عوامل محیطی	شرایط سیاسی شرایط اقتصادی تبعیض‌های اجتماعی و جنسیتی نگرش جامعه سیاست‌های تخصیص بودجه

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش تصویری جامع از سازوکارهای پیچیده و چندسطحی تأثیرگذار بر اشتغال‌پذیری دانشجویان دانشگاه‌های دولتی عراق ارائه داد. یافته‌ها نشان دادند که اشتغال‌پذیری در این بستر نه صرفاً محصول مهارت‌های فردی و دانش تخصصی، بلکه برآیند کنش متقابل میان عوامل محیط خرد شامل «آموزش»، «قوانین و مقررات»، «عوامل حرفه‌ای و شغلی» و «عوامل سازمانی»، با میانجی‌گری ویژگی‌های فردی و شخصیتی و در بستر محیط کلان سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شکل می‌گیرد. چنین الگوی چندسطحی همسو با ادبیات جهانی است که

اشتغال‌پذیری را پدیده‌ای پویا و متأثر از تعامل عوامل ساختاری و فردی می‌داند (Bonnard, 2020; Eimer & Bohndick, 2023). به‌ویژه، نتایج این تحقیق بر نقش حیاتی هم‌راستاسازی آموزش دانشگاهی با نیازهای واقعی بازار کار تأکید دارد، یافته‌ای که با مطالعات بین‌المللی هم‌خوانی دارد و نشان می‌دهد که بدون بازطراحی برنامه‌های درسی و ایجاد فرصت‌های یادگیری تجربی، شکاف بین دانشگاه و بازار کار همچنان پایدار خواهد ماند (Fantinelli et al., 2024; Phusavat et al., 2025).

مطالعه حاضر مشخص کرد که کیفیت آموزش و به‌روز بودن محتوای درسی، میزان ارتباط ساختاری دانشگاه با صنعت و امکان دسترسی دانشجویان به کارگاه‌ها، کارآموزی و پروژه‌های عملی از مهم‌ترین عوامل اثرگذار در سطح خرد هستند. این نتایج هم‌راستا با پژوهش‌های داخلی و بین‌المللی است که نشان می‌دهند هم‌پیوندی میان آموزش نظری و تجربه عملی کلید تقویت قابلیت اشتغال‌پذیری است (Boelt et al., 2022; Fantinelli et al., 2024). برای مثال، بوال و همکاران بر این نکته تأکید کرده‌اند که یادگیری مبتنی بر مسئله و مشارکت در پروژه‌های واقعی مهارت‌های تعمیم‌پذیر مانند حل مسئله و کار تیمی را به‌طور قابل توجهی افزایش می‌دهد (Boelt et al., 2022). در عراق، نبود این پیوند سبب شده است بسیاری از فارغ‌التحصیلان توانایی عملی به‌کارگیری دانش خود را نداشته باشند و به تبع آن، کارفرمایان اعتماد کمتری به خروجی‌های دانشگاه‌های دولتی نشان دهند (Al-Jubouri et al., 2022).

یافته‌ها همچنین نشان دادند که ساختارهای سازمانی و سیاست‌های حمایتی دانشگاهی نقش مهمی در تقویت یا تضعیف اشتغال‌پذیری دارند. بروکراسی اداری، کمبود منابع مالی، نبود شبکه‌های حمایتی، و ضعف سیاست‌های کارآفرینی از موانع اصلی شناخته شدند. این نتایج با تحقیقات پیشین که بر ضرورت سیاست‌گذاری نهادی و حمایت از فرایند انتقال دانش به بازار کار تأکید می‌کنند هم‌سو است (Ghoran, 2023; Salahian-Imran & Ein-Khah, 2023). صلاحیان‌عمران و عین‌خواه بیان می‌کنند که بدون ایجاد سازوکارهای سازمانی منسجم برای ارتباط دانشگاه و صنعت، برنامه‌های مهارت‌آموزی به‌صورت پراکنده و موقت باقی می‌مانند (Salahian-Imran & Ein-Khah, 2023). در همین راستا، تجربه ایران نشان داده است که ایجاد مراکز کارآفرینی دانشگاهی و تسهیل تعامل دانشجویان با بخش خصوصی می‌تواند نقش مهمی در بهبود اشتغال‌پذیری ایفا کند (Ein-Khah, 2023; Kashani Yazdi, 2022).

از سوی دیگر، مطالعه حاضر اهمیت ویژگی‌های فردی و شخصیتی را در تعدیل اثر عوامل نهادی و ساختاری نشان داد. متغیرهایی مانند انگیزه، پشتکار، اعتمادبه‌نفس، ذهنیت رشد و اخلاق حرفه‌ای توانستند شدت و جهت اثر شرایط آموزشی و سازمانی را تغییر دهند. این یافته هم‌سو با مدل‌های فردی-اجتماعی اشتغال‌پذیری است که بر نقش سرمایه روان‌شناختی و مهارت‌های نرم در تبدیل فرصت‌های آموزشی به قابلیت واقعی اشتغال تأکید می‌کنند (Khayati, 2021; Mirghafari, 2023). میرخفاری در پژوهش خود بیان کرده است که حتی در محیط‌های آموزشی مجهز، نبود مهارت‌های نرم مانند کار تیمی و ارتباط مؤثر می‌تواند مانع تحقق اشتغال‌پذیری شود (Mirghafari, 2023). همچنین یافته‌های فارنگ نشان می‌دهد انگیزه و خودکارآمدی فردی می‌توانند به‌عنوان منابع درونی برای غلبه بر محدودیت‌های ساختاری عمل کنند (Farang, 2022).

تحلیل داده‌ها همچنین آشکار ساخت که شرایط محیط کلان شامل عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، بستر اصلی شکل‌گیری فرصت‌ها یا موانع اشتغال هستند. بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی، محدودیت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و تبعیض‌های اجتماعی و جنسیتی می‌توانند فرصت‌های شغلی را محدود کنند و بر ادراک کارفرمایان و فارغ‌التحصیلان تأثیر منفی بگذارند (Al-Jubouri et al., 2022; Encinas & Mirabent, 2022). انیسیناس و میرابنت نیز نشان داده‌اند که در کشورهایی با ساختار دولتی سنگین و وابستگی بالای بازار کار به دولت، ورود فارغ‌التحصیلان به بخش خصوصی با چالش‌های بیشتری همراه است و سیاست‌های حمایتی ملی اهمیت مضاعف پیدا می‌کند (Encinas & Mirabent, 2022).

در مجموع، یافته‌های این پژوهش تأییدکننده رویکرد سیستمی به اشتغال‌پذیری است. این رویکرد بیان می‌کند که اشتغال‌پذیری زمانی ارتقا می‌یابد که سیاست‌های آموزشی، ساختارهای نهادی و توسعه سرمایه فردی به‌طور هم‌زمان و هماهنگ پیش بروند (Eimer & Bohndick, 2023).

(2023; Salahian-Imran & Ein-Khah, 2023). به عبارت دیگر، اصلاح برنامه‌های درسی بدون توجه به ظرفیت‌های فردی دانشجویان یا بدون پشتیبانی نهادی و سیاستی نمی‌تواند منجر به بهبود پایدار اشتغال شود. این نتایج با پژوهش‌های جهانی که بر تعامل چندبعدی عوامل تأکید می‌کنند همخوان است (Khan et al., 2025; Phusavat et al., 2025).

همچنین، مطالعه حاضر اهمیت مشارکت فعال ذی‌نفعان کلیدی را در تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های ارتقای اشتغال‌پذیری نشان داد. حضور کارفرمایان، سیاست‌گذاران و استادان در طراحی دوره‌ها و ارزیابی مستمر آن‌ها، از یافته‌های کلیدی است که با مطالعات فانتینلی و همکاران هم‌راستا است و بر ضرورت طراحی مشارکتی برنامه‌های آموزشی تأکید می‌کند (Fantinelli et al., 2024). در عراق، این نوع مشارکت می‌تواند از طریق ایجاد بسترهای رسمی همکاری دانشگاه-صنعت و ایجاد شبکه‌های پشتیبانی برای دانشجویان محقق شود.

از منظر نظری، الگوی استخراج‌شده در این پژوهش با تحلیل داده‌بنیاد توانسته است چارچوبی بومی متناسب با واقعیت‌های عراق ارائه دهد. این امر پاسخی به شکاف موجود در ادبیات داخلی است که تاکنون اغلب بر مدل‌های وارداتی متکی بوده است (Farbad et al., 2022; Ghoran, 2023). از نظر کاربردی، یافته‌ها می‌توانند مبنای تدوین سیاست‌های جامع اشتغال‌پذیری در سطح ملی و دانشگاهی باشند؛ سیاست‌هایی که هم ارتقای مهارت‌های نرم و تخصصی را هدف بگیرند و هم به بهبود محیط نهادی و پیوندهای ساختاری با بازار کار کمک کنند (Ein-Khah, 2023; Salahian-Imran & Ein-Khah, 2023).

این پژوهش با وجود رویکرد عمیق و کیفی، محدودیت‌هایی دارد که باید در تفسیر نتایج مدنظر قرار گیرد. نخست، داده‌ها صرفاً از طریق مصاحبه با ۲۰ نفر از خبرگان و ذی‌نفعان کلیدی گردآوری شد و بنابراین ممکن است برخی دیدگاه‌ها و تجربیات عملی در بخش خصوصی یا در میان دانشجویان تازه‌فارغ‌التحصیل منعکس نشده باشد. دوم، به دلیل محدودیت‌های زمانی و منابع، مطالعه حاضر بر دانشگاه‌های دولتی متمرکز بود و وضعیت دانشگاه‌های خصوصی عراق که ممکن است ساختار متفاوتی داشته باشند بررسی نشد. سوم، تغییرات سریع در شرایط سیاسی و اقتصادی عراق می‌تواند بر پایداری یافته‌ها اثر بگذارد و قابلیت تعمیم نتایج را محدود کند.

برای تکمیل دانش در این حوزه، پژوهش‌های آینده می‌توانند به‌صورت طولی و با حجم نمونه گسترده‌تر انجام شوند تا تغییرات اشتغال‌پذیری در گذر زمان و در شرایط اقتصادی و سیاسی متغیر بررسی شود. همچنین مقایسه میان دانشگاه‌های دولتی و خصوصی یا بررسی وضعیت استان‌های مختلف عراق می‌تواند درک دقیق‌تری از تفاوت‌های منطقه‌ای ارائه دهد. استفاده از روش‌های ترکیبی و ترکیب داده‌های کیفی با پیمایش‌های کمی گسترده نیز می‌تواند به اعتباربخشی نتایج و ایجاد شاخص‌های قابل سنجش برای ارزیابی مداخلات کمک کند.

یافته‌های پژوهش حاضر چند مسیر روشن برای بهبود اشتغال‌پذیری در عراق پیشنهاد می‌دهد. نخست، بازنگری اساسی در برنامه‌های درسی با تمرکز بر مهارت‌های کاربردی، دیجیتال و بین‌فردی ضروری است. دوم، دانشگاه‌ها باید ارتباط ساختاریافته‌تری با صنعت و بخش خصوصی برقرار کنند و برنامه‌های کارآموزی و پروژه‌های مشترک را گسترش دهند. سوم، ایجاد مراکز پشتیبانی شغلی و شبکه‌های راهنمایی حرفه‌ای می‌تواند مسیر ورود فارغ‌التحصیلان به بازار کار را تسهیل کند. چهارم، سیاست‌گذاران ملی می‌توانند از یافته‌های این تحقیق برای تدوین چارچوب‌های کلان توسعه اشتغال‌پذیری بهره بگیرند و هماهنگی بیشتری میان آموزش عالی و نیازهای اقتصادی کشور ایجاد کنند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازن اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازن و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسندگان مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

Extended Abstract

Introduction

In many developing nations, graduate employability has emerged as a critical benchmark for evaluating the responsiveness of higher education systems to dynamic labor market demands. Once defined narrowly as the capacity to secure employment soon after graduation, employability is now understood as a multifaceted and evolving construct that encompasses technical competencies, transferable skills, professional attitudes, and the capacity to adapt to rapid technological and socio-economic change (Bonnard, 2020; Eimer & Bohndick, 2023). The global labor market's increasing volatility has underscored the inadequacy of models that focus solely on hard skills, calling instead for comprehensive frameworks that integrate experiential learning, personal development, and institutional support (Fantinelli et al., 2024).

Yet, in many contexts, particularly in the Middle East, the translation of employability theory into practice remains problematic. Iraq presents an especially complex case, where the mismatch between higher education outputs and the labor market has resulted in persistently high unemployment rates among university graduates (Al-Jubouri et al., 2022). The country's labor market is heavily dominated by the public sector, and graduates often lack the diverse skill set and adaptability required by the private sector (Encinas & Mirabent, 2022). Meanwhile, most existing employability frameworks are Western in origin and fail to account for Iraq's unique political, economic, and cultural conditions (Ghoran, 2023; Salahian-Imran & Ein-Khah, 2023).

The literature increasingly calls for localized, evidence-based models that can bridge the gap between higher education and employment in such settings. Studies have demonstrated the importance of integrating labor market needs into curriculum design and enhancing university-industry collaboration to foster job readiness (Khan et al., 2025; Phusavat et al., 2025). Experiential and practice-oriented learning opportunities, such as structured internships, project-based assignments, and real-world simulations, have been found to strengthen the transfer of academic knowledge to practical workplace competencies (Boelt et al., 2022; Fantinelli et al., 2024). However, these opportunities are still underdeveloped in Iraq's public universities, where bureaucratic rigidity and limited resources hinder dynamic engagement with the private sector (Al-Jubouri et al., 2022).

Equally critical are individual and personal attributes, which act as moderators in the employability process. Self-efficacy, growth mindset, perseverance, and motivation can strengthen the impact of institutional and curricular reforms (Ein-Khah, 2023; Kashani Yazdi, 2022; Khayati, 2021). Without targeted strategies to build these psychological and interpersonal skills, structural changes alone may fail to produce long-term employability gains (Farang, 2022; Mirghafari, 2023). Moreover, macro-level socio-political conditions, such as economic instability, social and gender inequities, and shifting policy priorities, exert a powerful

influence on both opportunities and perceptions of employability (Al-Jubouri et al., 2022; Encinas & Mirabent, 2022).

Given these complex, multi-layered dynamics, there is an urgent need for context-sensitive research to map the real drivers of employability in Iraq's public universities. Building on global insights but grounded in local realities, the present study aimed to identify and theorize the factors shaping graduate employability through a grounded theory approach. By engaging multiple key stakeholders—including academics, policymakers, and private sector representatives—this study offers a localized conceptual framework that captures the interplay of micro-, meso-, and macro-level forces affecting the employment readiness of Iraqi graduates.

Methods and Materials

This qualitative study adopted a grounded theory methodology situated within the interpretivist paradigm to deeply explore the complex and context-specific dynamics influencing employability. Twenty participants were purposefully selected for maximum diversity, including faculty members from Iraqi public universities, higher education policymakers, executive managers, and representatives of the private sector. Semi-structured, in-depth interviews lasting 45–60 minutes were conducted to gather rich, experiential data. Interviews were audio-recorded with informed consent, transcribed verbatim, and subjected to open, axial, and selective coding following Strauss and Corbin's systematic procedures. Data were analyzed concurrently with collection to enable iterative refinement of categories and theoretical constructs. MAXQDA software facilitated data organization, coding, and memo writing. Rigor was enhanced through member checking, continuous comparison, and the triangulation of participant roles and perspectives.

Findings

The analysis revealed employability as a dynamic outcome emerging from the interaction of multi-level factors. At the micro-institutional level, four dominant clusters of influences were identified: *education and curriculum quality*, *professional and occupational factors*, *laws and regulations*, and *organizational and structural conditions within universities*. Participants emphasized that outdated curricula, lack of alignment with labor market demands, and minimal experiential learning opportunities weakened graduates' job readiness. Limited access to internships, practical workshops, and real-world projects further widened the gap between theory and practice. Additionally, bureaucratic rigidity, inadequate funding, and weak career support services emerged as systemic barriers.

Beyond institutional and structural drivers, *individual and personal attributes* acted as critical mediators. Personal traits such as self-confidence, perseverance, intrinsic motivation, and a growth-oriented mindset were seen to amplify the benefits of quality education and institutional support. Similarly, transferable skills—including digital literacy, problem-solving, teamwork, time management, and professional communication—enabled graduates to navigate employment barriers and adapt to diverse work environments. Participants noted that even under suboptimal structural conditions, graduates with these competencies were better able to create or identify opportunities.

Finally, the broader *macro-environmental context* shaped the overall employability landscape. Economic volatility, political instability, and social and gender-based discrimination directly affected both the availability of quality jobs and the confidence of employers in hiring graduates. Many respondents highlighted the strong cultural preference for public sector employment as an additional deterrent to entrepreneurial or private sector engagement. Fluctuations in national labor market policies and inadequate investment in youth employment programs further constrained opportunities.

Taken together, these findings culminated in a conceptual model positioning employability as a complex, systemic construct influenced by the interplay of micro-level educational and institutional conditions, meso-level personal and psychological factors, and macro-level environmental forces.

Discussion and Conclusion

This study advances the understanding of graduate employability in developing contexts by providing an empirically grounded and contextually relevant model for Iraq's public universities. The findings underscore that employability is neither an automatic outcome of higher education nor a solely individual responsibility; rather, it is shaped by synergistic and mutually reinforcing interactions across educational, institutional, personal, and environmental levels (Bonnard, 2020; Eimer & Bohndick, 2023).

One of the most salient insights concerns the pivotal role of curriculum relevance and experiential learning. Echoing global scholarship (Boelt et al., 2022; Fantinelli et al., 2024), the study demonstrates that mere expansion of academic content without aligning it to real market demands perpetuates graduate skill mismatches. Experiential components such as structured internships, collaborative industry projects, and hands-on digital skill development were consistently identified as transformative. These results support international calls for practice-oriented pedagogy and dynamic university–industry collaboration (Khan et al., 2025; Phusavat et al., 2025), yet also highlight the urgent need to adapt such practices to Iraq's unique institutional limitations.

The moderating influence of personal attributes confirms previous research emphasizing the psychological and soft skill dimensions of employability (Khayati, 2021; Mirghafari, 2023). While system-level reforms are essential, their effectiveness depends significantly on students' self-efficacy, motivation, and adaptability. Similar to studies in other Middle Eastern contexts (Farang, 2022; Kashani Yazdi, 2022), the findings illustrate that equipping students with resilience and growth mindset can partially offset structural deficits. Therefore, comprehensive employability strategies must integrate personal development initiatives such as career counseling, soft skills training, and mentorship programs alongside curriculum reform.

Moreover, the results confirm the powerful influence of Iraq's macro-context. Persistent economic uncertainty, political turbulence, and cultural preferences for government employment shape both supply and demand in the labor market (Al-Jubouri et al., 2022; Encinas & Mirabent, 2022). This underscores the inadequacy of simply importing Western employability models, which often assume stable economies and diversified private sectors (Ghoran, 2023; Salahian-Imran & Ein-Khah, 2023). A successful employability framework for Iraq must therefore address systemic policy barriers and advocate for economic diversification, gender inclusion, and targeted youth employment programs.

In conclusion, this study contributes to both theory and practice by offering a locally validated, multi-dimensional understanding of employability. It reinforces the call to view employability not as a linear or isolated concept but as an ecosystem shaped by coordinated action across educational reform, institutional support, personal capacity building, and macro-level policy development. Strengthening the alignment between university outputs and labor market demands, investing in experiential and skill-based learning, and fostering personal and social capital among students can narrow Iraq's education-to-employment gap. By grounding employability frameworks in the lived realities of local stakeholders, this research provides actionable insights for universities, policymakers, and industry partners seeking to cultivate a more competitive, adaptable, and resilient graduate workforce.

References

- Al-Jubouri, R. M., Al-Rikabi, Z. A., & Yaseen, S. G. (2022). Unemployment among University Graduates in Iraq: Causes and Solutions. *Journal of Economic and Administrative Sciences*, 28(1), 113-123. https://www.researchgate.net/profile/Gailan-Abdullah/publication/371970564_Graduate_Unemployment_in_Iraq_Reality_and_Solutions_btalt_alkhryjyn_fy_alraq_alwaq_walathar_walmaljat/links/64a02315c41fb852dd4471c6/Graduate-Unemployment-in-Iraq-Reality-and-Solutions-btalt-alkhryjyn-fy-alraq-alwaq-walathar-walmaljat.pdf?origin=journalDetail&_tp=eyJwYWdlIjoiam91cm5hbERldGFpbCJ9

- Boelt, A. M., Kolmos, A., & Holgaard, J. E. (2022). Literature review of students' perceptions of generic competence development in problem-based learning in engineering education. *European Journal of Engineering Education*, 47(6), 1399-1420. <https://doi.org/10.1080/03043797.2022.2074819>
- Bonnard, C. (2020). What employability for higher education students? *Journal of Education and Work*, 33(5-6), 425-445. <https://doi.org/10.1080/13639080.2020.1842866>
- Eimer, A., & Bohndick, C. (2023). Employability models for higher education: A systematic literature review and analysis. *Social Sciences & Humanities Open*, 8(1), 100588. <https://doi.org/10.1016/j.ssaho.2023.100588>
- Ein-Khah, F. (2023). *Proposing a Model for Developing Employability and Identifying Skills Gaps of University Graduates in Relation to Labor Market Needs: Engineering Graduates* University of Mazandaran, Faculty of Humanities and Social Sciences]. <https://rms.umz.ac.ir/~salehiomran/ViewResearch.aspx?ResearcherID=169597>
- Encinas, A. P., & Mirabent, J. B. (2022). Who gets a job sooner? Results from a national survey of Master's graduates. *Studies in Higher Education*, 48(1), 174-188. <https://doi.org/10.1080/03075079.2022.2124242>
- Fantinelli, S., Cortini, M., Di Fiore, T., Iervese, S., & Galanti, T. (2024). Bridging the gap between theoretical learning and practical application: A qualitative study in the Italian educational context. *Education Sciences*, 14(2), 198. <https://doi.org/10.3390/educsci14020198>
- Farang, M. (2022). *Designing a Model for Developing Employability of Bachelor's Graduates in Behavioral Sciences (Case Study: Shahid Beheshti University)* Shahid Beheshti University, Faculty of Educational Sciences and Psychology]. <https://www.sbu.ac.ir/fa/w/tavanesh-1>
- Farbad, M., Safania, A.-M., Boroumand, M.-R., Naghabandi, S. S., & Baghrian Farah Abadi, M. (2022). Designing a Model for Analyzing the Employment Ecosystem of Sports Science Graduates. *Human Resource Management in Sports*, 9(2), 265-283. https://shm.shahroodut.ac.ir/article_2246.html
- Ghoran, S. (2023). *Designing and Explaining a Model for the Employability of Graduate Students Using a Mixed Method Approach* Lorestan University]. <https://ensani.ir/fa/article/570356/>
- Kashani Yazdi, H. S. (2022). *Identifying Factors Influencing the Employability of Educational Management Undergraduate Graduates from Ferdowsi University of Mashhad* Ferdowsi University of Mashhad, Faculty of Educational Sciences and Psychology]. <https://fea.um.ac.ir/index.php/fa/edu-groups/management/defended-theses>
- Khan, I. M., Edwards, E., Ianicelli, B. M., Ahmed, W., Hardey, M., & Eremionkhale, G. (2025). University-industry collaboration for academic success and employability: A connectivist perspective. *Studies in Higher Education*. <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/03075079.2025.2545606>
- Khayati, M. (2021). *Designing and Explaining the Individual-Social Psychology Model of Employability for Female Agricultural Graduates in Hamadan Province* Bu-Ali Sina University, Faculty of Agriculture]. <https://basu.ac.ir/theses-and-dissertations>
- Mirghafari, F. (2023). *The Impact of Game-Based Learning on Problem-Solving in a Blended Learning Environment on Teamwork Employability Soft Skills of Engineering Students at Shiraz University* Shiraz University, Faculty of Educational Sciences and Psychology]. https://jcr.shirazu.ac.ir/article_8234.html
- Phusavat, K., Ongkunaruk, P., & Anussornnitisarn, P. (2025). Gaining insights into the employability of university graduates: Implications from the students' inputs. *Studies in Higher Education*. <https://doi.org/10.1080/03075079.2025.2545606>
- Salahian-Imran, E., & Ein-Khah, F. (2023). Developing Employability for University Graduates: International Experiences and Model Presentation. *Karafan*, 20(2), 63-41. https://karafan.nus.ac.ir/article_133381.html
- Zare-Moghadam, A. (2022). *Designing a Curriculum Model for Enhancing the Employability of Undergraduate Students in Educational Sciences* Birjand University, Faculty of Educational Sciences and Psychology]. <https://civilica.com/doc/1180214/>